

جامعه و حکومتی که پیامبر در مدینه بنیان نهاد، در فاصله سال‌های ۱۱ تا ۴۱ ق به دست پنج نفر از جانشینان ایشان با عنوان «خلیفه» اداره شد. این دوره ۳۰ ساله از تاریخ اسلام را عصر خلفای نخستین یا راشدین می‌گویند. جامعه اسلامی در این دوره با مسائل متعددی رو به رو شد که مهم‌ترین آنها موضوع جانشینی پیامبر، اداره حکومت، تثبیت اسلام در شبه جزیره عربستان و فتوحات مسلمانان در خارج از آن شبه جزیره بود. در این درس، شما با جست‌وجو، گردآوری و مطالعه شواهد و مدارک تاریخی، علل، آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این مسائل را بررسی خواهید کرد.

بحث و گفت‌وگو

وحدت یا تفرقه؟

پیش از ورود به موضوع جانشینی پیامبر اسلام، لازم است درباره یک مسئله اساسی قدری بیندیشیم. پیروان دین اسلام با وجود اشتراک عقیده در مسائل فراوان، در موضوع جانشینی رسول خدا با یکدیگر اختلاف نظر دارند. شیوه صحیح مواجهه با این اختلاف نظر، همان روش برخی بزرگان، از علمای شیعه و سنی معاصر و پیشین است که ضمن دفاع مستدل و منطقی از باورهای خویش، برای وحدت و یکپارچگی تمام مسلمانان در برابر دشمنان و بدخواهان اسلام و تقرب مذاهب اسلامی تلاش می‌کردند. آنان همواره مراقب بودند که اختلاف نظر پیروان اسلام در مسئله امامت و خلافت، موجب تفرقه جوامع اسلامی و درگیری مسلمانان با یکدیگر نشود.

- با راهنمایی دبیر، درباره ضرورت و روش‌های حفظ وحدت و عواقب تفرقه و دشمنی میان مسلمانان در شرایط کنونی جهان، بحث و گفت‌وگو کنید.

جانشینی رسول خدا و شکل‌گیری خلافت

ماجرای سقیفه^۱ و انتخاب ابوبکر به خلافت

هنگامی که علی علیه السلام و بنی‌هاشم مشغول برگزاری مراسم تدفین پیامبر بودند، گروهی از انصار در مکانی موسوم به «سقیفه بنی‌ساعده» در مدینه گرد هم آمدند تا درباره تعیین جانشین رسول خدا تصمیم بگیرند. ابوبکر بن ابی قحافه، عمر بن خطاب و ابوعبیده جراح از گروه مهاجران به سرعت خود را به آن جمع رساندند. سرانجام، پس از گفت‌وگو و بحث‌هایی که در آن جلسه صورت گرفت، نخست عمر و ابوعبیده و سپس تعدادی از انصار حاضر در سقیفه با ابوبکر به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر بیعت کردند.

۱- سقیفه به معنای ایوانچه‌ای سقف‌دار (سایبان‌دار) است.

بررسی و تحلیل شواهد و مدارک

بخشی از گفت‌وگوهای اجتماع سقیفه بنی‌ساعده را که منجر به خلافت ابوبکر بن‌ابی‌فحافه شد، بخوانید و به پرسش مربوط به آن پاسخ مناسب دهید.

سعد بن عباده رئیس خزرجیان از انصار گفت: «ای گروه انصار شما پیش از دیگران به اسلام گرویدید و از این جهت برای شما فضیلتی است که برای دیگران نیست. پیامبر اسلام بیش از ده سال قوم خود را به خداپرستی و مبارزه با شرک دعوت نمود، جز جمعیت کمی از آنان، کسی به او ایمان نیاورد، ولی هنگامی که پیامبر با شما سخن گفت، شما به او ایمان آوردید و دفاع از او را بر عهده گرفتید و برای گسترش اسلام و مبارزه با دشمنان جهاد کردید... هر چه زودتر زمام کار به دست بگیرید که جز شما کسی لیاقت این کار را ندارد» (طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۳۴۲-۱۳۴۳).

به دنبال آن، ابوبکر برخاست و چنین گفت: «خداوند محمد را برای پیامبری به سوی مردم فرستاد... گروهی از مهاجران به تصدیق و ایمان ویاری او در لحظات سخت بر دیگران سبقت گرفتند و از کمی جمعیت نهراسیدند... آنها خویشاوندان پیامبرند و به زمام‌داری و جانشینی شایسته‌تر می‌باشند... اگر از گروه مهاجرین بگذریم هیچ‌کس به مقام و موقعیت شما (انصار) نمی‌رسد. بنابراین، چه بهتر ریاست خلافت را مهاجرین به دست بگیرند و وزارت و مشاوره را به شما واگذار کنند» (همان، ص ۱۳۴۵). ابوبکر با اشاره به دو دستگی انصار و سابقه جنگ و خونریزی میان آنان، گفت هرگاه یک نفر از شما خود را برای خلافت آماده کند، به سان این است که خود را میان کام شیر افکنده باشد (جاحظ، اللبان والتبیین، ج ۲، ص ۱۸۱).

آن‌گاه حباب بن مُنذر از جانب انصار و عمر و ابو عبیده از طرف مهاجران سخن گفتند و دلایلی را برای تعیین جانشین از گروه خویش بیان کردند. بشیر بن سعد که پسر عموی سعد بن عباده بود و از تمایل انصار به ریاست او به شدت ناراحت بود، برخلاف انتظار گفت: پیامبر از قریش است، خویشاوندان پیامبر برای زمامداری از انصار شایسته‌ترند، چه بهتر که کار خلافت را به خود آنان واگذار نماییم و مخالفت نکنیم.

پس از آن بود که ابوبکر رو به مردم کرد و گفت به نظر من عمر و ابو عبیده برای خلافت شایستگی دارند. با هر کدام می‌خواهید بیعت کنید، ولی آن دو نفر برخاستند و به ابوبکر گفتند تو از ما شایسته‌تری... چه کسی می‌تواند در این امر بر تو سبقت بگیرد، و بی‌درنگ دست ابوبکر را به عنوان بیعت فشر دهند.

یکی از بزرگان قبیله اوس از گروه انصار رو به افراد خود کرد و گفت: «هرگاه خزرجیان، گوی خلافت را برابند و زمام امور را به دست بگیرند، یک نوع فضیلت و برتری پیدا می‌کنند، هر چه زودتر برخیزید و با ابوبکر بیعت کنید». اوسیان نیز همگی به تبعیت از او با ابوبکر بیعت کردند. ولی رئیس خزرجیان و افراد قبیله او از بیعت خودداری ورزیدند (طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۳۴۵-۱۳۴۸).

با توجه به مباحث مطرح شده در سقیفه:

- اشخاص و یا نمایندگان هر یک از گروه‌های مسلمان، برای اثبات حقانیت خود در جانشینی پیامبر، بر چه معیارهایی تأکید کردند؟
- به نظر شما آیا این معیارها برای تعیین جانشین پیامبر مناسب و یا کافی بود؟ چرا؟

بحران ارتداد و جنگ‌های رده

پس از رحلت پیامبر و آغاز خلافت ابوبکر بن ابی قحافه، گروه‌هایی از قبیله‌های بادیه‌نشین عربستان، که در سال‌های پایانی زندگانی رسول خدا و پس از گسترش قدرت مسلمانان، اسلام آورده بودند و با تعالیم آن‌س و آشنایی نداشتند، از دین خارج شدند و سر به شورش برداشتند. این گروه‌ها به مُرتَدان یا از دین برگشتگان معروف شدند. از جمله این مُرتَدان، افرادی بودند که در واپسین روزهای زندگانی رسول خدا و با پدیدار شدن آثار بیماری آن حضرت، ادعای پیامبری کردند^۱ و با گرد آوردن افرادی به دور خود، با حکومت مدینه به مخالفت برخاستند. گروه دیگری نیز بودند که از اسلام خارج نشدند، اما ابوبکر را به عنوان خلیفه پیامبر قبول نداشتند و از پرداخت زکات به نمایندگان وی خودداری کردند.

ابوبکر پس از استقرار بر مسند خلافت، سپاهی را گرد آورد و به مقابله با شورش‌ها و نافرمانی‌ها فرستاد. این سپاه علاوه بر شکست مُرتَدان و پیامبران دروغین، معترضان به خلافت ابوبکر را نیز به شدت سرکوب کرد.

خلافت عمر و عثمان

خلیفه اول (ابوبکر) اندکی بیش از دو سال خلافت کرد. او در واپسین لحظات زندگی، طی وصیت‌نامه مکتوبی، عمر بن خطاب^۲ را به جانشینی خود معرفی کرد. از مهم‌ترین رویدادهای دوران خلیفه دوم (حک ۱۳-۲۳ق)، فتوحات مسلمانان در سرزمین‌های مجاور شبه‌جزیره عربستان بود. خلیفه دوم پیش از مرگ^۳، شورایی شش نفره تشکیل داد و اعضای آن را مأمور کرد که از میان خود یک نفر را به عنوان خلیفه برگزینند. گفت‌وگوها و رایزنی‌های اعضای آن شورا، به گونه‌ای پیش رفت که سرانجام عثمان بن عفان^۴ به عنوان خلیفه سوم (حک ۲۳-۳۵ق) انتخاب شد.



جنگ‌های رده

- ۱- پیامبران دروغین عبارت بودند از: اَسْوَد عَنَسِي، مُسَيْلِمَةُ بن حَبِيب، سِبْجَاح دَخْتَر حَارِث و طَلِيحَةُ بن خُوَيْلِد.
- ۲- عمر از طایفه بنی عدی، یکی از طایفه‌های قبیله قریش بود.
- ۳- خلیفه دوم به دست غلامی به نام بیروز یا فیروز نهادند، ملقب به ابولؤلؤ مجروح شد و بر اثر شدت جراحت از دنیا رفت.
- ۴- عثمان از خاندان بنی امیه در زمان ابوبکر از افراد نزدیک به خلیفه بود و کاتب وی به شمار می‌آمد؛ در دوره عمر نیز نفوذ قابل توجهی داشت.



شورای شش نفره و خلافت عثمان بن عفان

اعضای شورایی را که عمر برای گزینش خلیفه سوم تعیین کرد، عبارت بودند از علی علیه السلام، عثمان، عبدالرحمان بن عوف، سعد بن ابی وقاص، طلحه و زبیر. خلیفه دوم مقرر کرد که در این شورا، اقلیت باید به نظر اکثریت تمکین کند و در صورت مخالفت گردن زده شود. همچنین شرط نمود، در صورتی که سه نفر در برابر سه نفر قرار گیرند، حق با گروهی است که عبدالرحمان بن عوف در آن است. سعد بن ابی وقاص حق رأی خود را به عبدالرحمان واگذار کرد. زبیر نیز حق خود را به علی علیه السلام داد. طلحه هم به نفع عثمان کنار رفت. عبدالرحمان به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کرد خلافت را به شرط عمل به کتاب خدا، سنت پیامبر و سیره ابوبکر و عمر بپذیرد، اما آن حضرت، تنها شرط عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر را قبول کرد. عثمان، تمام شرایط عبدالرحمان را پذیرفت و به خلافت برگزیده شد.

عثمان بن عفان روش متفاوتی نسبت به خلفای پیش از خود در پیش گرفت. او حکم بن ابی العاص را که پیامبر به طائف تبعید کرده بود، به مدینه بازگرداند. خلیفه سوم همچنین شماری از افراد خاندان اموی را بر سر کار آورد و دست آنان را در اداره امور خلافت باز گذاشت. برخی از صحابه پیامبر همچون ابوذر غفاری و عمار یاسر، نسبت به رفتار منصوبان خلیفه انتقاد و اعتراض کردند. خلیفه که تحت تأثیر اطرافیان و مشاوران خود از جمله مروان بن حکم قرار داشت، انتقادکنندگان را تبعید نمود. مردم از مناطق مختلف مانند کوفه، بصره و مصر برای رساندن صدای اعتراض خویش به گوش عثمان، به مدینه آمدند. علی علیه السلام میان مردم و خلیفه میانجی‌گری کرد. خلیفه پذیرفت که روش خود را تغییر دهد، اما اطرافیان مانع این کار شدند. به همین دلیل، معترضان خشمگین سرانجام به خانه خلیفه ریختند و او را به قتل رساندند.

خلافت امام علی علیه السلام (حک ۳۵ - ۴۰ ق)

پس از عثمان، مردم در مدینه به اصرار از علی علیه السلام خواستند که خلافت را بپذیرد و با آن حضرت بیعت کردند. امام مصمم بود که مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر عمل نماید؛ از این رو، سران قریش و به ویژه اشراف بنی امیه که از بیعت با ایشان خودداری کرده بودند، به مخالفت و دشمنی برخاستند. از جمله معاویه پسر ابوسفیان که توسط علی علیه السلام از حکومت شام برکنار شده بود، به بهانه خونخواهی عثمان، به سرکشی پرداخت.



منزل منسوب به امام علی علیه السلام در کوفه

معدودی از بزرگان قریش مانند طلحه و زبیر نیز که بیعت کرده بودند، چون امام با تقاضایشان برای به دست گرفتن حکومت برخی شهرها و مناطق موافقت نکرد، بیعت خود را شکستند و به صف مخالفان پیوستند. نصیحت‌ها و کوشش‌های مسالمت‌آمیز امام علی علیه السلام برای بازداشتن مخالفان از سرکشی و جلوگیری از جنگ داخلی میان مسلمانان، به نتیجه نرسید و آن حضرت ناگزیر به دفع سرکشی‌ها و آشوب‌گری‌هایی شد که اشراف بنی امیه نقش مهمی در ایجاد آن داشتند. بدین منظور امام مرکز خلافت را از مدینه به کوفه منتقل و در سه جنگ جمل، صفین و نهروان با دشمنان مقابله کرد.

اسلامی شد. علی علیه السلام در دوران حکومتش تلاش کرد با عمل به تعالیم اسلام و سنت رسول خدا، برادری و یگانگی دینی را به امت اسلامی بازگرداند، اما با موانع و مشکلات اساسی روبه‌رو شد؛ زیرا گروه محدودی که از منافع و امتیازهای ویژه برخوردار شده و سال‌ها به مال‌اندوزی و رفاه‌طلبی خو گرفته بودند، با آن حضرت مخالفت و دشمنی کردند. آنان با اقدام‌های عدالت‌جویانه امام به مقابله برخاستند و سه جنگ را بر جامعه اسلامی تحمیل کردند. این جنگ‌ها تأثیرات اجتماعی نامطلوبی بر جا گذاشت و باعث به وجود آمدن رقابت منطقه‌ای بین عراق و شام شد که تا سال‌ها پس از آن ادامه داشت.

تحولات اقتصادی دوران خلفای نخستین

از نظر اقتصادی نیز وضعیت جامعه اسلامی در دوران خلفای نخستین دگرگون شد. در دوران خلافت عمر و عثمان، درآمدهای فراوانی از سرزمین‌های ثروتمندی که فتح شده بود به خزانه مسلمانان در مدینه سرازیر شد. خلیفه دوم این درآمدها را به عنوان عطایا میان مسلمانان توزیع کرد. نحوه توزیع عطایا توسط خلیفه دوم، اگرچه بر پایه مساوات اسلامی نبود، اما ساده‌زیستی و سختگیری او نسبت به کارگزاران خلافت و بزرگان قریش، از ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی آنان جلوگیری کرد.

نحوه توزیع بیت‌المال در زمان خلیفه دوم

سهم دریافتی	افراد و گروه‌ها
۱۲۰۰۰ درهم	عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر
۱۲۰۰۰ درهم	عایشه، همسر رسول خدا
۱۰۰۰۰ درهم	دیگر همسران پیامبر
۵۰۰۰ درهم	مهاجرانی که در جنگ بدر حضور داشتند
۴۰۰۰ درهم	انصاری که در جنگ بدر حضور داشتند
۴۰۰۰ درهم	أسامه بن زید و عمر بن ابی سلمه
۴۰۰۰ درهم	حاضران در جنگ احد و پس از آن تا صلح حدیبیه
۳۰۰۰ درهم	حاضران در حوادث پس از صلح حدیبیه و کسانی که قبل از فتح مکه هجرت کرده بودند
۳۰۰۰ درهم	فرزندان جوان مهاجر و انصار
۱۰۰۰ درهم	کسانی که پس از فتح مکه مسلمان شدند
.....

مأخذ: ماوردی، الاحکام السلطانیة، ص ۲۶۱-۲۶۳؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۱۴.

فعالیت ۳

به جدول خوب دقت کنید و بگویید خلیفه دوم برای توزیع بیت‌المال میان مسلمانان چه معیارهایی را در نظر داشته است؟

در دوران خلیفه سوم، بذل و بخشش‌های فراوانی از بیت‌المال مسلمانان به افراد مختلف، به خصوص خاندان بنی‌امیه صورت گرفت. وی محدودیت‌هایی را که عمر برای ثروت‌اندوزی سران قریش ایجاد کرده بود، نادیده گرفت؛ از این رو، آنان اراضی و مزارع وسیعی را در ایران، شام و مصر تصرف کردند و بر ثروت خود افزودند.

فعالیت ۴

بررسی شواهد و مدارک

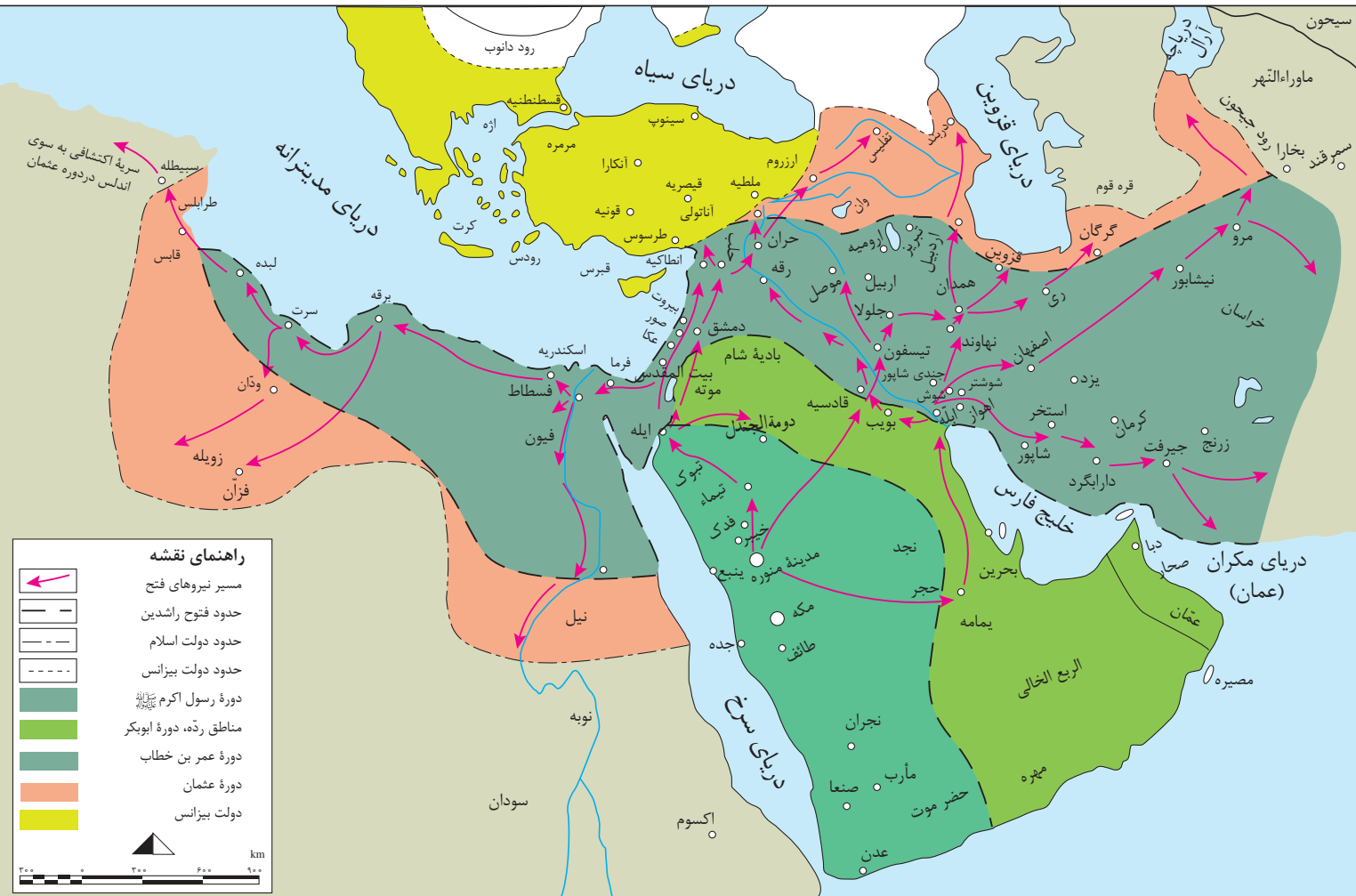
- برداشت و تحلیل خود را از متن زیر بیان کنید.

ولید بن عتبّه، حاکم اموی کوفه، مبلغ زیادی از بیت‌المال قرض گرفت و نمی‌خواست آن را پس دهد. عبدالله بن مسعود که مسئول بیت‌المال بود، به عثمان شکایت برد. خلیفه در پاسخ او گفت: «تو خزانه‌دار ما هستی و نباید نسبت به ولید از آنچه از بیت‌المال برمی‌دارد، تعرض نمایی». ابن مسعود به خشم آمد و گفت: «گمان می‌بردم که خزانه‌دار مسلمانان هستم، اما اگر چنین است، مرا بدان حاجتی نیست» (بلاذری، انساب الاشراف، ج ۶، ص ۱۴۰).

علی علیه السلام در دوران خلافتش تلاش کرد که عدالت و مساوات اسلامی را اجرا کند. از این رو، بیت‌المال را به‌طور مساوی میان تمام مسلمانان اعم از عرب و غیرعرب، سیاه و سفید و بنده و آزاد تقسیم کرد. برخی مسلمانان، از جمله طلحه و زبیر به این شیوه توزیع بیت‌المال اعتراض کردند و از آن حضرت خواستند که عرب و قریش را برتر از عجم^۱ و موالی قرار دهد؛ اما امام این کار را ستمگرانه دانست و فرمود: «تمام قرآن را تلاوت کردم و برای فرزندان اسماعیل [اعراب] بر فرزندان اسحاق [غیراعراب] به اندازه این چوب [تکه چوبی که از زمین برداشته بود] برتری نیافتم».^۲ منظور آن حضرت این بود که او معیارهای قومی، قبیله‌ای، خویشاوندگرایی و یا تقدم و تأخر در قبول اسلام را در توزیع بیت‌المال در نظر نخواهد گرفت.

فتوحات مسلمانان و گسترش اسلام

یکی از رویدادهای مهم تاریخ اسلام در دوران خلفای نخستین، لشکرکشی اعراب مسلمان به سرزمین‌های مجاور شبه‌جزیره عربستان بود. در نتیجه این لشکرکشی‌ها که از اواخر خلافت ابوبکر آغاز شد و تا پایان خلافت عثمان بدون وقفه ادامه یافت، سرزمین‌های ایران، شام و مصر فتح شد و اسلام به تدریج در آن سرزمین‌ها گسترش پیدا کرد.



نقشه فتوحات در دوران خلفای نخستین

۱- عجم به کسانی گفته می‌شد که عرب‌زبان نباشند و زبانشان برای اعراب مبهم و نامفهوم بود. این واژه بیشتر بر ایرانیان اطلاق می‌شد.

۲- یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۲۸.



فتح به جنگ و فتح به صلح

در جریان فتوحات، مسلمانان هنگامی که به سپاه دشمن برخورد می‌کردند و یا به آبادی و شهری می‌رسیدند، طبق تعالیم اسلام و سنت پیامبر، سه پیشنهاد به آنان ارائه می‌دادند: اول، اسلام بیاورید؛ دوم، تسلیم شوید و جزیه پرداخت کنید و سوم، بکنجید. پذیرش هر یک از این پیشنهادها وضعیت متفاوتی را به وجود می‌آورد. اگر پیشنهاد اول پذیرفته می‌شد و طرف مقابل اسلام می‌آورد، آنان از حقوقی برابر با دیگر مسلمانان برخوردار می‌شدند، اموال و دارایی‌هایشان محفوظ می‌ماند و همچون سایر پیروان اسلام ملزم بودند که زکات بپردازند. اگر پیشنهاد دوم مورد قبول طرف مقابل قرار می‌گرفت و راضی به پرداخت جزیه می‌شدند، مسلمانان نیز امنیت جان و مال آنان را تضمین می‌کردند و به آنان اجازه می‌دادند که بر دین خویش باقی بمانند و آداب و مناسک مذهبی خود را به جا آورند. همچنین امنیت و احترام پرستگاه‌های آنها مانند کلیساها و آتشکده‌ها ضمانت می‌شد. البته پیشنهاد دوم فقط از پیروان کتاب‌های آسمانی مانند یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان پذیرفته می‌شد که به آنان «اهل ذمه» هم می‌گفتند. در صورتی که کار به جنگ می‌کشید، نتیجه جنگ، تکلیف دو طرف را مشخص می‌کرد.



آثار باستانی تدمر (پالمیرا) پیش از تخریب توسط گروه داعش

فتح شام^۱

سرزمین شام در غرب آسیا، به عنوان نقطه اتصال زمینی و دریایی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، همواره از موقعیت فوق العاده مهمی برخوردار بوده است. این سرزمین، تاریخ و تمدنی کهن دارد و در دوران باستان محل برخورد تمدن‌های کهن بین‌النهرین، ایران، مصر، یونان و روم بوده است.

منطقه شام هنگام حمله اعراب مسلمان، زیر سلطه امپراتوری روم شرقی قرار داشت. در آن زمان تعدادی از قبیله‌های عرب در آن منطقه حضور داشتند. بسیاری از این اعراب و دیگر ساکنان بومی منطقه شام، پیرو آیین مسیحیت بودند، اما در برخی از مسائل مذهبی با کلیسای قسطنطنیه، پایتخت

امپراتوری روم شرقی اختلافات اساسی داشتند. اختلافات مذهبی و تفاوت‌های قومی، فرهنگی و زبانی که میان توده‌های مردم شام با طبقه حکومتگر رومی وجود داشت، سبب شده بود که پایه‌های حاکمیت امپراتوری روم شرقی در این منطقه سست شود. ابوبکر، در اواخر خلافت خود، چندین سپاه را به سوی منطقه شام فرستاد. این سپاهیان در چند نبرد که بیشتر آنها در زمان خلافت عمر به وقوع پیوست، نیروهای رومی و متحدان محلی آنان را شکست دادند و شهرها و آبادی‌های آن منطقه را یکی پس از دیگری، اغلب با پیمان صلح گشودند. در این پیمان‌ها، حفظ جان و مال، آزادی دین و عقیده مردم آن شهرها در برابر تسلیم و پرداخت جزیه تضمین شده بود. تمایل اعراب مسلمان به فتح صلح‌آمیز سرزمین‌ها و آبادی‌های مختلف از این نکته معلوم می‌شود که در جریان محاصره شهر

۱- شام یا شامات، اصطلاحی تاریخی-جغرافیایی است که به منطقه وسیعی در غرب آسیا گفته می‌شود که از شمال به آسیای صغیر (ترکیه امروزی)، از غرب به دریای مدیترانه، از جنوب به شبه‌جزیره عرستان و از شرق به بین‌النهرین محدود می‌شود. این منطقه، کشورهای سوریه، لبنان، اردن و فلسطین کنونی را دربر می‌گیرد.

بیت المقدس (ایلیا)، ساکنان مسیحی شهر اعلام کردند که فقط در مسلمانان با بردباری این شرط را پذیرفتند و بدین منظور خلیفه حضور خلیفه، قرارداد صلح و تسلیم شهر را امضاء می‌کنند. دوم از مدینه به بیت المقدس رفت.

فعالیت ۵

بررسی شواهد و مدارک

قسمت‌هایی از متن صلح‌نامه بیت المقدس (ایلیا) را مطالعه کنید و دلایل خود را در پذیرش یا رد ادعای رفتار مسالمت‌آمیز و مدارا جویانه مسلمانان بیان کنید.

«این نامه امانی است که عمر، امیرمؤمنان، به مردم ایلیا می‌دهد، خودشان و اموالشان و کلیسایانشان و صلیب‌هایشان، سالم و بیمارشان و دیگر مردمشان را امان می‌دهد؛ کلیسایانشان مسکون و ویران نشود و از آن نگاهند و حدود آن را کم نکنند، از صلیب و اموالشان نیز، و در کار دینشان مزاحمت نبینند و کسی از ایشان زیان نبیند و کسی از یهودان در ایلیا با آنها مقیم نشود. مردم ایلیا باید جزیه دهند، چنانکه مردم شهرها می‌دهند و باید رومیان و دزدان را از آنجا بیرون کنند. کسانی که بروند جان و مالشان در امان است تا به امانگاهشان برسند و هر که بماند در امان است» (طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۷۸۹-۱۷۹۰).

بیشتر بدانیم



جزیه

جزیه مالیات سرانه‌ای بوده است که فاتحان مسلمان از پیروان اهل کتاب در قلمرو خویش دریافت می‌کردند. میزان جزیه بر اساس سطح درآمد افراد تفاوت داشت. زنان، کودکان، سالخوردگان، از کارافتادگان و پیشوایان دینی از پرداخت آن معاف بودند. شواهد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که جزیه فقط به‌عنوان مجازات نپذیرفتن اسلام بر کسی تحمیل نمی‌شده، بلکه برای تأمین امنیت جان و مال اهل کتاب و معاف کردن آنان از حضور در جنگ وضع می‌شده است. از این رو، خالد بن ولید در پیمان صلحی که با مردم حیره بست، متعهد شد که: «اگر ما از شما حفاظت کردیم، سرانه حق ماست و گرنه، نباید پرداخت کنید» (طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۵۰۴). ابوعبیده جراح، یکی از فرماندهان مسلمان در جریان فتح سرزمین شام، هنگامی که شنید، هراکلیوس، امپراتور روم شرقی، سپاه بزرگی را برای بیرون راندن مسلمانان از آن سرزمین آماده و تجهیز کرده است، جزیه اخذ شده از مسیحیان را به آنان بازگرداند؛ زیرا احتمال می‌داد که ممکن است مسلمانان شکست بخورند و نتوانند به وظیفه خود در پاسداری از جان و مال جزیه‌دهندگان عمل کنند (ابویوسف، کتاب خراج، ص ۱۳۹). همچنین برخی از اهل کتاب که با مسلمانان در جنگ‌ها شرکت می‌کردند، نه تنها از دادن جزیه معاف می‌شدند، بلکه سهم خود از غنیمت‌های جنگی را نیز می‌گرفتند (بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۵۹).

فتح مصر



بقایای بخشی از باروی اسکندریه

مصر نیز همچون شام، به هنگام ظهور اسلام، بخشی از قلمرو امپراتوری روم شرقی بود. اسکندریه^۱ در شمال مصر، یکی از مراکز مهم نیروی دریایی آن امپراتوری به شمار می‌رفت. تسلط رومیان بر مصر، موقعیت مسلمانان را در شام و حتی در شبه‌جزیرهٔ عربستان در معرض خطر جدی قرار می‌داد. از این رو، مسلمانان بعد از فتح شام، در صدد برآمدن مصر را نیز تسخیر کنند. عمرو عاص^۲ که آبادانی و ثروت فراوان آن سرزمین را از نزدیک مشاهده نموده و تا اندازه‌ای با وضعیت سیاسی و اجتماعی آن‌جا آشنا بود، فرماندهی سپاه اعراب مسلمان را در حمله به مصر به عهده گرفت.

مصریان به دلایل مختلفی نسبت به حاکمیت امپراتوری روم بر سرزمین خویش ناخشنود بودند؛ از یک سو مالیات‌های سنگینی را به رومیان می‌پرداختند و از سوی دیگر اجازه نداشتند که به مقام‌های عالی برسند. علاوه بر آن، مسیحیان مصر اختلافات مذهبی شدیدی با رومیان داشتند. گروه‌هایی از پیروان آیین یهود نیز که در اسکندریه و سایر نقاط مصر پراکنده بودند، به دلیل عدم حمایت امپراتور روم از آنان در برابر مسیحیان، از او ناخشنود بودند.

در هر حال، اعراب مسلمان طی نبردهایی، لشکریان رومی را شکست دادند و شهرهای مصر را یکی پس از دیگری به جنگ و یا به صلح گشودند. بررسی پیمان‌های صلح مصریان با مسلمانان در منابع تاریخی، نشان می‌دهد که محتوای پیمان‌های مذکور شباهت زیادی به قرارداد صلح بیت‌المقدس دارد. فتوحات مسلمانان در مصر، بیشتر نتیجهٔ مقاومت نکردن مردم آن سرزمین در برابر سپاه اسلام بود. رفتار مسالمت‌آمیز و مدارا جویانهٔ پیروان اسلام با مسیحیان به هنگام فتح شام و امید به آزادی مذهبی در زیر سایهٔ حکومت مسلمانان، تأثیر بسزایی در متحد نشدن مصریان با رومیان داشت.

با فتح مصر (سال ۶۴۰ق)، سلطه و نفوذ سیاسی - نظامی امپراتوری روم شرقی در آن سرزمین از بین رفت، شام از خطر هجوم رومیان تا حدودی در امان ماند و زمینه برای پیشروی مسلمانان در دیگر مناطق آفریقا مهیا شد.

آثار و پیامدهای فتوحات در زمان خلفای نخستین

فتوحات برق‌آسای مسلمانان در عصر خلفای نخستین، از جهات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی است. از نظر سیاسی، اعراب مسلمان در فاصلهٔ کمتر از ۲۰ سال، دو قدرت بزرگ جهان آن روز، یعنی حکومت ساسانیان و امپراتوری روم شرقی را شکست دادند و سرزمین‌های مهم ایران، شام و مصر را تصرف کردند. به دنبال این پیروزی‌های نظامی، قلمرو خلافت گسترش زیادی یافت و مردمان و اقوام مختلفی که زبان و فرهنگ متفاوتی با اعراب داشتند، تحت حکومت آنان قرار گرفتند.

۱- بندر اسکندریه که به فرمان اسکندر مقدونی بنا گردید، در عصر باستان یکی از آبادترین شهرهای جهان بود و کتابخانهٔ بزرگ آن شهرت جهانی داشت.
۲- عمرو بن عاص از جمله مکینانی بود که در آغاز، مخالف سرسخت اسلام و پیامبر بود، اما اندکی پیش از فتح مکه و هنگامی که دریافت اسلام تمامی عربستان را فرا خواهد گرفت، به همراه خالد بن ولید به مدینه رفت و اسلام آورد. او مردی تیزهوش، فرصت‌طلب، مال‌دوست و بلندپرواز بود و برای پیشبرد مقاصد خود سخت تلاش می‌کرد. وی در جریان فتح شام حضور فعالی داشت و نقش مهمی در جلب رضایت خلیفهٔ دوم برای لشکرکشی به مصر داشت. عمرو بن عاص پیش از جنگ صفین به طمع حکومت مصر به معاویه پیوست و با حيله‌گری مانع شکست سپاه او شد.

به لحاظ اقتصادی، سرزمین‌های فتح شده، ثروتمند و دارای شهرها و روستاهای آباد و بزرگی بودند. اعراب علاوه بر غنایم فراوانی که در جریان فتوحات کسب کردند، منابع اقتصادی و درآمدهای مالیاتی آن سرزمین‌ها را در اختیار خود گرفتند. مهم‌ترین پیامد فتوحات مسلمانان، در عرصهٔ دین و فرهنگ جلوه‌گر شد. از یک سو، دین اسلام به سرزمین‌های جدید معرفی شد و به تدریج مردم آن سرزمین‌ها مسلمان شدند؛ از سوی دیگر، ایران، شام و مصر که دارای فرهنگ و تمدنی غنی و مردمان متمدنی بودند، نقش بسزایی در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن اسلامی ایفا

کردند. عوامل گوناگونی در پذیرش اسلام توسط مردم سرزمین‌های مختلف تأثیر داشت. مهم‌ترین این عوامل عبارت بودند از:

۱- جاذبهٔ پیام جهانی اسلام که همهٔ انسان‌ها را بدون توجه به رنگ پوست، زبان، فرهنگ و طبقهٔ اجتماعی‌شان، مخاطب قرار داده و به آنان وعده می‌داد که با ایمان به اسلام و عمل به دستورات آن، به سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت خواهند رسید.

۲- اسلام همهٔ مردم را به عمل به شریعتی سهل و ساده فرا می‌خواند.

پرسش‌های نمونه

- ۱ علل بروز جنگ‌های رده را بیان کنید.
- ۲ دلایل شورش مردم بر خلیفهٔ سوم در برخی شهرهای قلمرو اسلامی چه بود؟
- ۳ شیوهٔ تقسیم و توزیع بیت‌المال توسط علی علیه السلام و سه خلیفهٔ پیش از او را توضیح دهید.
- ۴ دلایل سیاسی و اقتصادی مخالفت و دشمنی سران قریش با خلافت امام علی علیه السلام را شرح دهید.
- ۵ عوامل مؤثر بر موفقیت مسلمانان در فتح شام و مصر را در دو بعد سیاسی و اجتماعی بیان کنید.